

نویسنده: نور اکبرپاش

معلومی که مجهول است

با وجود شرایط فوق العاده حساس منطقه و افغانستان ، که درک آن برای هیچکس دشوار نمی نماید ، رویداد های مشکوکی رخ میدهد که گذشتن از پهلوی آن نه مجاز است و نه ممکن.

با پخش خبر به آتش کشیده شدن نسخه های قران کریم توسط نظامیان آمریکایی در قرار گاه بگرام مردم به جاده ها ریختند ، شعار دادند ، زدند ، کشتند و به آتش کشیدند.

جای هیچگونه مناقشه وجود ندارد ؛ اعتراض مسالمت آمیز و دفاع از معتقداتش حق هر انسان است ولی خشونت و آنهم در برابر کسانی و اموال کسانی که با مسله اصلاً ارتباط ندارند چرا و برای چه؟!

آیا اجازه چنین اقدامات در همین کتاب مقدسی که توسط نا مسلمان ها به آتش کشیده شده وجود دارد ؟ چه کسی در «هر دو طرف » غایله متضرر میگردند ؟ این ها سوالاتی اند که آنانیکه روی جاده ریخته اند باید به دقت پاسخ دهند.

تقدس قرآن عظیم الشان در هر زمان و مکان محفوظ است ، بی احترامی در برابر آن از طرف هر « مسلمان » و «نا مسلمان» غیر قابل توجیه و غیر قابل پذیرش است ولی چرا زمانیکه نسخه های همین کلام مقدس ربانی در نتیجه ی به آتش کشیدن کتابخانه ها و مکاتب توسط به اصطلاح مجاهدین و طالبان و به راکت بستن آنها به خاکستر مبدل می شوند کسی روی جاده ها دیده نمیشود ؟ زمانیکه همین کلام خدا به امر آخذ ها یکجا با مدارس و مساجد مسلمین در زیرتایر ها و چین های ماشین آلات خورد و خمیر میشود و حتی زمانیکه فیلم مستند آن در انترنیت هم به نمایش گذاشته میشود ، اعتراضی بر نمی انگیزد ، (کافیسست که بطور نمونه به یوتوب مراجعه کنید و جریان تخریب مدرسه و مسجد اهل سنت را در سیستان بلوچستان ایران مراجعه و اوراق زیر آوار شده قران را مشاهده کنید) مگر نه اینکه در پشت این « یک بام و دو هوا » هوای دیگری میوزد که دور نیست که به طوفان ویرانگر مبدل خواهد شد . این یک جهت قضیه و جهت دیگر آن:

این اولین باری نیست که خارجی ها در برابر مقدسات و عنعنات مردم افغانستان گستاخانه و اهانت آمیز عمل میکنند چرا اینان در بیشتر از ده سال نتوانسته اند درک کنند که توهین به مقدسات مسلمین چه عواقبی را به دنبال دارد؟

جناب اوباما گفتند که این کار از سر نادانی بعمل آمده است نه از روی عمد و قصد . کرزی نیز آنرا برای خوش خدمتی به اوباما در حالی صحنه میگذارد که بسیار ظریفانه در تشویق و ترغیب تظاهرات تشنج بار به طالبان و بنیاد گرایان عشوه میفروشد و همگرایی نشان میدهد.

این « خارجیان » چه آگاهانه و چه نا آگاهانه سالهاست که به مقدسات مردم ما توهین میکنند . اینکه این کتاب سوزی را یک صاحب منصب تازه وارد به قرارگاه بگرام راه انداخته (والله اعلم بالصواب) اگر بتوان باور کرد ، رهبران ملکی و نظامی ایالات متحده به این سوالات چه پاسخ دارند:

– اصل « کتاب سوزی » و آنها با انگیزه اسلام ستیزی که یاد آور دوران تلخ رابطه عیسویت و اسلام است و در مغایرت و تضاد کامل با دموکراسی و آزادی عقیده و بیان قرار دارد چگونه قابل توجیه است ؟

آیا « تک محوری » ، در واقع سیطره بلا رقیب « سرمایه باوری » راه بازگشت به سوی استفاده از میتود های استعمار کهن را بازگشای نموده است؟

– ویا اینکه با توسل به دسایس مذهب ستیزی ، روی شاخچه های حرص و آز و جهانخواره گی ، پندک های دسیسه و توطیه انتظار « بهار افغانی » را میکشد و جاده را برای نفوذ هرچه سریعتر « بنیاد گرایی وابسته » صاف میکند تا بدین وسیله از تعهدات شعار گونه حقوق بشر ، آزادی عقیده و بیان ، مذهب ، عمران صلح و ترقی رهایی دست دهد.

– آیا ممکن است که روزی به این سوال پاسخ داده شود که نسخه های از قرآن کریم (بقول مظاهره چی ها یک کانتینر قرآن کریم) و دیگر کتب مذهبی چگونه از قرارگاه آیساف سر درآوردند ؟

مگر در پشت این جریان گوشه‌های دراز دسیسه از دور نمایان نیست ؟

نه جناب اوباما ! این ها هیچکدام تصادفی نیست ، حادثه از لحاظ زمان وقوع آن که از یکطرف چنه زنی ها بر سر همکاریهای ستراتیژیک در جریان است و از طرف دیگر مسایل مذاکرات قطر و ریاض بر سر محاسبات و داد و گرفت میچرخد و با توجه به حرف های قوماندان ارشد شما « افغانستان مهم است ولی پاکستان مهمتر از آن » دادن امتیازات بیشتر به پاکستان از طریق نقش طالبان در آینده افغانستان در مراجع قدرت آمریکایی طرفدارانی دارد ، این جریانات محاسبه شده و

مدیریت شده رخ میدهد تا وضعیت بی ثبات افغانستان را بی ثبات تر سازد، تا برنامه های جابجایی « قدرت » تا قبل از ۲۰۱۴ به پایه ی اکمال برسد.

نمیتوان گفت که شما از آن آگاهی ندارید و اگر شما با آن مخالفید میتوان گفت که حداقل بر خلاف سیاستهای اعلام شده ، این پروژه های استخباراتی است که در غیاب شما و با شتاب در حرکت اند و اما تا کنون چنین بوده است که بسیاری از محاسبات در افغانستان نتایج معکوس داده است.